اتحاد محمد بن یحیی اخو المغلس الخثعمی و محمد بن یحیی الصیرفی

شاگرد: در مورد سند دیروز فرمودید نرم‌افزار خثعمی را خزاز نوشته. ظاهراً به جهت طبقه این کار را کرده‌اند. فی الجمله هم کلام آن‌ها درست است. خثعمی در طبقه متقدم است. عمده روایات ایشان از امام صادق علیه‌السلام است. هرچند نجاشی در مورد خزاز دارد «روی عن الصادق علیه‌السلام» اما مرحوم شیخ در فهرست دارد «روی عن اصحاب ابی عبد الله». در کتب اربعه هم روایتی ثبت نشده که ایشان از خود امام صادق علیه‌السلام روایت کند. در شاگردانشان هم همینطور است. یعنی مشهورترین شاگرد خثعمی محمد بن ابی عمیر است. اما شاگردان خزاز، احمد بن محمد بن عیسی الاشعری و برقی است. یکی از دلائلی که باعث شده بگویند خزاز است و خثعمی نیست، همین است. اینکه صیرفی از حماد دارد، اصلاً معهود نیست که خثعمی هم از حماد داشته باشد. ولی خزاز هست.

من دو نقض به ذهنم رسید که این مطلب فی الجمله درست است. اما اصل امکان نقل وجود دارد. یکی اینکه خود نرم‌افزار هم گفته که در بین اساتید آن‌ها، در ابوبصیر الاسدی مشترک هستند. یعنی مشترک بین خزاز و خثعمی است. البته به ذهنم رسید که شاید به این صورت جواب بدهند که چون ابو بصیر الاسدی امام صادق، امام باقر و امام کاظم علیهم‌السلام را درک کرده از این باب شده. و الا همه جا نمی‌شود. در خود معانی الاخبار جلد یکم صفحه ۳۱۵، تصریح دارد که هم احمد بن محمد بن عیسی الاشعری از خثعمی نقل کرده؛ به این صورت دارد: احمد بن محمد عن محمد بن یحیی الخثعمی و هم محمد بن حسین بن ابی الخطاب از خثعمی نقل می‌کنند. جالب این است که به جهت ذهنیتی که نرم‌افزار داشته راجع به اینها گفته‌اند که محرف هستند. یعنی در نرم‌افزار آن‌ها را خزاز کرده‌اند. لذا دلیلی غیر از طبقات ندارد که ظاهراً نمی‌شود خیلی روی آن حساب کرد.

استاد: جزاکم الله خیرا.

دیدم افاده فرموده بودند در دو-سه روایت تصریح است که محمد بن یحیی الخثعمی عن حماد عن ابی عبد الله ع. من دیدم که این را در فدکیه گذاشته بودند. دو روایت بود که این خیلی کلید می‌شود؛ یعنی دیگر نمی‌شود گفت که خثعمی بالواسطه از حضرت نقل می‌کند. نه، در اینجا صریحاً دارد. نکته‌ای هم که تذکر دادند این است که در بسیاری از جاها داریم؛ محمد بن یحیی الصیرفی عن حماد. وقتی در یک جا فهمیدیم که او اخو المغلس خثعمی است، بقیه موارد هم می‌توانند ناظر به او باشد و ثقه شود. چون خود خثعمی توثیق هم شده.

قرار شد که تذکر بدهم. در مباحثه ذکر شد شهید ثانی پنجاه و خوردهای داشته‌اند. اما در جلسه فرمودند چهل. بعد از جلسه تذکر دادند که همان پنجاه و خوردهای درست است. این را تذکر دادم که در ذهن کسی نماند. پنجاه و پنج سال داشتند.

شاگرد: در کدام روایت به این صورت آمده بود.

استاد: شما در نرم‌افزار بزنید الخثعمی عن حماد. علی القاعده می‌آید. چون الخثعمی لقبی است که در آخر کار می‌آید.

شاگرد۲: در فقیه و تهذیب است.

استاد: اگر به این صورت باشد خیلی خوب است.

شاگرد۲: ظاهراً خثعمی را نوشته اند محرف است.

استاد: و حال اینکه با این توضیحاتی که آمد می‌توان محرف نباشد. روی روال خودش است. از این حیث بحث سند خیلی خوب می‌شود. حال باز هم ان شالله می‌رسیم. روایت دوم است.

بازبینی #2
ایجاد شده 9 آوریل 2024 13:46:40 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 مه 2024 14:33:51 توسط ... .